

تحلیل روایی و تبیین نظری پروتکل «هفت گام نخبه پروری»، مدل استعدادیابی کودکان

A Valid Analysis and Theoretical Explanation of the “Seven Steps of Elite Development” Protocol, a Model for Identifying Children’s Talent

Ali Akbar Salahi

University Lecturer, Department of Psychology,
West Tehran Branch, Islamic Azad University.

Email: Salahi.aliakbar@yahoo.com

Mohammad Mehdi Sanatizadeh

University Lecturer, Department of Children, Tehran
University of Medical Sciences.

علی اکبر صلاحی*

مدرس دانشگاه، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد
تهران غرب.

محمد هادی کبیری

مدرس دانشگاه، گروه کودکان، دانشگاه علوم پزشکی تهران.

Abstract

Talent identification and systematic development of children’s talents are among the most important areas of intervention in developmental psychology, educational psychology, and contemporary educational planning. Despite the development of numerous models in the field of talent identification and development, the gap in indigenous, integrated, and multilevel intervention models that can simultaneously cover the cognitive, emotional, behavioral, social, and creative dimensions of the child is still noticeable. The present study, using a valid analysis and theoretical explanation approach, examines the “Seven Steps of Elite Development” protocol as a multi-stage intervention model for identifying children’s talents. This protocol consists of seven consecutive steps: preoperational, behavioral engineering, socialization, talent identification, creativity, organization, and achievements. Each stage is analyzed based on developmental, cognitive, behavioral, and social theories and adapted to the perspectives of theorists such as Jean Piaget, Leo Vygotsky, Howard Gardner, Albert Bandura, Yuri Berne von Brenner, Giuseppe Renzoli, and Mihaly Csikszentmihalyi. The analytical findings show that this protocol has a suitable theoretical capacity for integrating assessment, training, intervention, and developmental guidance and can be used as a practical

چکیده

استعدادیابی و پرورش نظام‌مند استعدادهای کودکان، از مهم‌ترین حوزه‌های مداخله در روان‌شناسی رشد، روان‌شناسی تربیتی و برنامه‌ریزی آموزشی معاصر به شمار می‌آید. با وجود توسعه مدل‌های متعدد در حوزه شناسایی و پرورش استعداد، خلأ الگوهای بومی، تلفیقی و مبتنی بر مداخلات چندسطحی که بتوانند به‌صورت هم‌زمان ابعاد شناختی، هیجانی، رفتاری، اجتماعی و خلاقانه کودک را پوشش دهند، همچنان محسوس است. پژوهش حاضر با رویکرد تحلیل روایی و تبیین نظری، به بررسی پروتکل «هفت گام نخبه‌پروری» به‌عنوان یک مدل مداخله‌ای چندمرحله‌ای در استعدادیابی کودکان می‌پردازد. این پروتکل شامل هفت گام متوالی است: پیش‌عملیاتی، مهندسی رفتار، جامعه‌پذیری، استعدادیابی، خلاقیت، ساماندهی و دستاوردها است. هر مرحله بر مبنای نظریه‌های تحولی، شناختی، رفتاری، اجتماعی و انسان‌گرایی مورد تحلیل قرار گرفته و با دیدگاه‌های نظریه‌پردازانی چون ژان پیاژه، لئو ویگوستکی، هاوارد گاردنر، آلبرت بندورا، یوری برن فن برنر، جوزپه رنزولی، میهایلی چیکسنت‌میهای، کارل راجرز تطبیق داده شده است. یافته‌های تحلیلی نشان می‌دهد این پروتکل از ظرفیت نظری مناسبی برای تلفیق سنجش، آموزش، مداخله و هدایت تحولی برخوردار است و می‌تواند به‌عنوان چارچوبی کاربردی برای مراکز مشاوره، مدارس، مهد کودک و نظام‌های تربیتی مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: استعدادیابی کودکان، نخبه‌پروری، تحلیل framework for counseling centers, schools, kindergartens, and educational systems. روایی، هوش‌های چندگانه.

Keywords: Children's Talent Identification, Elite Education, Narrative Analysis, Multiple Intelligences.

نوع مقاله: پژوهشی	دریافت: فروردین ۱۴۰۵	پذیرش: خرداد ۱۴۰۵
-------------------	----------------------	-------------------

مقدمه

مسئله شناسایی و پرورش استعداد^۱های کودکان، یکی از بنیادی‌ترین دغدغه‌های نظام‌های آموزشی و روان‌شناختی در جهان معاصر است. در دهه‌های اخیر، نگاه به استعداد از رویکردی ایستا و صرفاً مبتنی بر بهره هوشی، به رویکردی پویا، چندبعدی و رشدمحور تحول یافته است (استبرگ^۲، ۲۰۰۵)، پژوهش‌های نوین نشان داده‌اند که استعداد صرفاً محصول ظرفیت شناختی ذاتی نیست، بلکه حاصل تعامل پیچیده عوامل زیستی، محیطی، انگیزشی، هیجانی و اجتماعی است (سابتینک^۳ و سایرین ۲۰۱۱). در این چارچوب، رویکردهای کلاسیک سنجش هوش^۴ که مبتنی بر آزمون‌های سنتی IQ هستند، دیگر پاسخگوی پیچیدگی‌های شناسایی استعداد در کودکان نیستند. نظریه هوش‌های چندگانه هاوارد گاردنر^۵ (۱۹۸۳)، نظریه سه‌حلقه‌ای استعداد جوزپه رینزولی^۶ (۱۹۷۸)، نظریه هوش موفق‌رابت استبرگ^۷ (۱۹۹۷) و مدل‌های بوم‌شناختی رشد و نظریه رشد شناختی ژان پیاژه^۸، همگی بر ضرورت توجه به بافت اجتماعی و تجارب زیسته کودک تأکید کرده‌اند. پروتکل «هفت گام نخبه‌پروری» تلاشی است برای پاسخ‌گویی به این نیاز؛ الگویی که فراتر از شناسایی استعداد، به مهندسی رفتار، تقویت جامعه‌پذیری، پرورش خلاقیت، سازماندهی شبکه‌های حمایتی و هدایت کودک به عرصه‌های دستاوردمحور می‌پردازد، مدلی چندبعدی برای شناخت اولیه، تغییر رفتار و بهبود ارتباط داخل خانواده، مسیری برای اجتماعی شدن، شناخت هوش تخصصی^۹ و کشف استعداد^{۱۰}، پرورش خلاقیت^{۱۱}، ارتقاء ارتباط هدفمند بین کودکان و اجرای کار تخصصی و رسیدن به دستاوردهای فیزیکی و مجازی آنها است (صلاحی، ۱۴۰۴). این مدل در سال ۱۳۹۷ با تدوین چندین کتاب در این حوزه تکمیل و سپس به مرکز استعدادیابی اروپا^{۱۲} ارائه شد و نمایندگی چتری آن مرکز در ایران را با محوریت انجمن خلاقیت و استعدادسنجی^{۱۳} به ما داده شد.

روش

روش تحقیق این پژوهش از نوع کیفی و به روش تحلیل محتوای هدایت‌شده^{۱۴} انجام شد (هیز و شنون^{۱۵}، ۲۰۰۵). واحد تحلیل شامل اهداف، تکنیک‌ها و ساختار جلسات پروتکل سیزده جلسه‌ای بود. جمع‌آوری داده‌ها منابع تحلیل شامل پروتکل سیزده جلسه‌ای هفت گام نخبه‌پروری مقالات و کتاب‌های روان‌شناسی مرتبط نظریه‌های تحولی، شناختی، رفتاری، اجتماعی و انسان‌گرایانه^{۱۶} بود. مراحل تحلیل محتوا به دو مدل کدگذاری صورت گرفت؛ کدگذاری باز که شامل استخراج مفاهیم، تکنیک‌ها

¹ Talent development

² Sternberg

³ Subotnik

⁴ Intelligence

⁵ Howard Gardner

⁶ Joseph Renzulli

⁷ Robert Sternberg

⁸ Jean Piaget

⁹ Specialized intelligence

¹⁰ Talent Discovery

¹¹ Cultivating creativity

¹² European Talent Center

¹³ Creativity and Talent Assessment Association

¹⁴ Directed Content Analysis

¹⁵ Hsieh & Shannon

¹⁶ Developmental, cognitive, behavioral, social, and humanistic theories

و اهداف هر جلسه می‌باشد و کدگذاری انتخابی که شامل استخراج مؤلفه‌های اصلی و تطبیق با جلسات است. اعتبار و پایایی این پژوهش از طریق بازبینی همکارانه و مستندسازی حاصل گردید که در بازبینی همکارانه بررسی کدها توسط دو متخصص مستقل بهره گرفته شد و در بخش مستندسازی از ثبت دقیق تمام تصمیمات کدگذاری برای شفافیت صورت پذیرفت. تحلیل حاضر مبتنی بر مقایسه تطبیقی مؤلفه‌های پروتکل با ادبیات نظری و پژوهشی موجود است.

جدول شماره ۱ - پروتکل هفت گام نخبه پروری

گام ها	جلسه	مداخلات
پیش عملیاتی	اول	معارفه، معرفی مدل، رزومه اولیه و تکنیک معرفی خود
	دوم	اجرای آزمون روانشناختی توسط والدین و آزمون هوش های تخصصی توسط مربی
مهندسی رفتار	سوم	تکنیک های اعتماد به نفس کودک، فضای تعاملی
	چهارم	تکنیک اقتصاد ژتونی همراه با قرارداد رفتاری
	پنجم	تکنیک های هویت پذیری، تاب‌آوری
جامعه پذیری	ششم	قوانین گروهی و تشکیل گروه فامیلی، پروژه خانه من - محله من، آموزش مهارت‌های اجتماعی اولیه، تشریح پارک زبان، آسیب شناسی فضای مجازی
استعدادیابی	هفتم	معرفی هوش‌های تخصصی، بازی درمانی، اسباب بازی متناسب، هوش جزیره‌ای
	هشتم	معرفی بازی‌های هوش تخصصی و کاربرگ بازی‌ها، معرفی مشاغل مرتبط به هوش تخصصی، حضور کودکان در فضای تخصصی توسط والدین
خلاقیت	نهم	معرفی مفاهیم خلاقیت؛ تکنیک های خاطره نویسی، حل مسئله، ماتریس SWOT
	دهم	معرفی بازی‌های خلاقانه، درست کردن کاردستی با وسایل دور ریختنی، کارآفرینی
سازماندهی	یازدهم	تشکیل شبکه همیاری
	دوازدهم	اجرای کارگروهی تخصصی ترجیحاً در فضای اردو
دستاوردها	سیزدهم	تدوین رزومه تخصصی (تعاملی و اثربخش)، معرفی به همایش، جشنواره، کانون ها و بررسی دستاوردهای فیزیکی و مجازی (تهیه محصولات علمی و فنی، گزارشات تخصصی، مقاله، کتاب و...)

در جدول شماره ۱ پروتکل هفت گام نخبه پروری مدل استعدادیابی کودکان را مشاهده می کنید در هفت گام و سیزده جلسه می باشد، نیاز است در ابتدای هر جلسه تکالیف جلسه قبلی چک گردد. این مدل نیاز به تعامل مستقیم مربی و والد و کودک است. نقش والدین از اهمیت بسزایی برخوردار است. چراکه دستیابی به اهداف این مدل مبتنی بر ارتباط خوب اعضای خانواده و حمایت مستمر از کودکان می‌باشد. اجرای این مدل در صورتیکه اجرای بازی‌های تخصصی و حضور در فضای تخصصی بر عهده والدین باشد ۱۳ جلسه است و در غیر اینصورت ۲۴ جلسه خواهد بود، آموزش این پروتکل برای مربیان ۲۴ ساعته می‌باشد.

یافته‌ها

تحلیل نظری پروتکل هفت گام نخبه پروری^{۱۷}

گام اول: پیش عملیاتی^{۱۸}

این مرحله، کارکرد تشخیصی و بنیان‌گذارانه دارد و معادل «ارزیابی پایه» در مداخلات روان‌شناختی است.

¹⁷ Seven steps of elitism

¹⁸ Pre-operational

جلسه اول: معارفه، معرفی مدل، رزومه اولیه و تکنیک معرفی خود

این جلسه با تکیه بر نظریه تعامل‌گرایی اجتماعی^{۱۹} لئو ویکوتسکی^{۲۰}، بستری برای شکل‌گیری رابطه درمانی و آموزشی فراهم می‌کند. معرفی خود^{۲۱}، نوعی تمرین بازنمایی خویش‌شناسی است که به شکل‌گیری خودپنداره کودک کمک می‌کند (هارتر^{۲۲}، ۲۰۱۲). رزومه اولیه^{۲۳}، نه صرفاً ابزاری برای ثبت اطلاعات، بلکه روشی برای بازسازی روایت هویتی کودک محسوب می‌شود. این فرایند با رویکرد روایت‌درمانی هم‌راستا است و به کودک امکان می‌دهد تجربه‌های خود را در قالب ساختاری منسجم بازشناسی کند و هم یک فرصت بی‌نظیر برای ارتقاء سطح اعتماد به نفس و روند اجتماعی شدن وی محسوب می‌گردد (صلاحی و سایرین، ۱۳۹۷).

جلسه دوم: آزمون‌های روان‌شناختی و هوش تخصصی

این جلسه بر اصول سنجش چندوجهی استوار است. استفاده هم‌زمان از گزارش والدین و مشاهده تخصصی مربی، با الگوی ارزیابی چندمنبعی هم‌خوانی دارد (ماش و هانسلی^{۲۴}، ۲۰۰۵). از منظر نظریه منطقه مجاور رشد ویگوتسکی، سنجش باید نه تنها توانایی بالفعل، بلکه ظرفیت بالقوه کودک را آشکار سازد.

گام دوم: مهندسی رفتار

این گام مبتنی بر نظریه یادگیری اجتماعی و رفتارگرایی نوین است. از سوی دیگر برای اینکه رفتار را مهندسی کنیم، نیاز است خود و ابعاد آنرا بشناسیم؛ همچنین هدف ایجاد رفتار مناسب و کاهش رفتار نامناسب و در نهایت کسب آرامش در بستر خانواده است (صلاحی و سایرین، ۱۳۹۷).

جلسه سوم: تقویت اعتماد به نفس و فضای تعاملی

اعتماد به نفس^{۲۵} در کودکان ارتباط مستقیمی با خودکارآمدی دارد. این جلسه با فراهم‌سازی تجربه‌های موفقیت تدریجی، چهار منبع خودکارآمدی را فعال می‌سازد: ۱. تجربه موفقیت مستقیم ۲. یادگیری مشاهده‌ای ۳. ترغیب کلامی ۴. تنظیم هیجانی (بندورا^{۲۶}، ۱۹۹۷). فضای تعاملی نیز موجب شکل‌گیری احساس تعلق می‌شود که در نظریه خودتعیین‌گری از نیازهای اساسی رشد محسوب می‌شود (رایان و دسی^{۲۷}، ۲۰۰۰). خانواده اولین پایه‌گذار شخصیت و ارزش‌ها و معیارهای فکری کودک است و نقش مهمی در تعیین سرنوشت، سبک و خط مشی زندگی آینده او دارد (صلاحی و سایرین، ۱۳۹۷).

جلسه چهارم: اقتصاد ژتونی همراه با قرارداد رفتاری

این جلسه مستقیماً بر اصول شرطی‌سازی کنشگر^{۲۸} بی.اف. اسکینر^{۲۹} مبتنی است. اقتصاد ژتونی^{۳۰}، از مؤثرترین روش‌های شکل‌دهی رفتار در کودکان است. قرارداد رفتاری با افزایش وضوح انتظارات، حس مسئولیت‌پذیری و خودنظم‌بخشی را تقویت می‌کند. اقتصاد ژتونی یک روش خوب و مناسب برای تغییر و شیوه رفتار کودکان محسوب می‌شود (صلاحی، ۱۳۹۸).

جلسه پنجم: هویت‌پذیری و تاب‌آوری

این جلسه با نظریه مراحل روانی اجتماعی اریک اریکسون^{۳۱} هم‌راستا است. کودک در این مرحله درگیر حل تعارض «کوشایی در برابر احساس حقارت»^{۳۲} است. پایان دوره کودکی آغاز دوره بزرگی است که هر انسانی در جریان یک تحول طبیعی، با عبور

¹⁹ Social interactionism

²⁰ Lev Vygotsky

²¹ Introducing yourself

²² Harter

²³ Initial resume

²⁴ Mash & Hunsley

²⁵ Self-confidence

²⁶ Bandura

²⁷ Ryan & Deci

²⁸ Operant conditioning

²⁹ B. F. Skinner

³⁰ Token economy

³¹ Erik Erikson

³² Feeling of inferiority

از آن به احراز تعادل نهایی نایل می‌آید. که موسوم به دوره نوجوانی^{۳۳} است، هم از نظر نوجوانان و از نظر والدین، از قدیم این دوران دشوارتر از سال‌های کودکی است، چراکه در حال یک انقلاب در ابعاد جسمی، جنسی و روانی هستند (صلاحی و سایرین، ۱۳۹۷). تاب‌آوری نیز با بهره‌گیری از چارچوب‌های روان‌شناسی مثبت‌گرا، ظرفیت انطباق کودک با چالش‌ها را ارتقا می‌دهد (مستین^{۳۴}، ۲۰۱۴). در واقع تاب‌آوری ظرفیت افراد برای سالم ماندن، مقاومت و تحمل در شرایط سخت و پرخطر است، لذا نیاز است به عنوان یک مهارت مهم آنرا فرا آموخت (صلاحی، ۱۳۹۸).

گام سوم: جامعه‌پذیری

جلسه ششم: قوانین گروهی و پروژه خانه من-محلّه من

این جلسه بر مبنای نظریه بوم‌شناختی یوری برن فن‌برنر^{۳۵} طراحی شده است. پروژه «خانه من-محلّه من» باعث فعال‌سازی یادگیری زمینه‌مند می‌شود؛ کودک می‌آموزد که توانمندی‌هایش در بستر اجتماعی معنا می‌یابند. در واقع به فضای کالبدی اجتماعی که کودک و خانواده در آن به تعامل می‌پردازند، اشاره می‌شود (کبیری و سایرین، ۱۳۹۷). پروژه «خانه من-محلّه من» را می‌توان از منظر تولمن^{۳۶} (۱۹۳۸) بررسی کرد، چرا که وی بیان می‌دارد ارگانیسم می‌آموزد چه چیزی در کجا قرار دارد. لذا به تدریج تصویری از محیط در او ایجاد می‌شود که می‌تواند از آن برای یافتن راه خود استفاده کند. تولمن این تصویر را نقشه شناختی^{۳۷} نامید (هرگنهان، ب، ر؛ اولسون، م، ا، ۱۳۸۶). آموزش مهارت‌های اجتماعی اولیه، با یافته‌های پژوهشی درباره رابطه مستقیم شایستگی اجتماعی و موفقیت تحصیلی هم‌خوانی دارد (ونزل^{۳۸}، ۲۰۱۵). آسیب‌شناسی فضای مجازی^{۳۹} نیز مبتنی بر سواد رسانه‌ای رشد‌محور است و در عصر دیجیتال اهمیت اساسی دارد (صلاحی و سایرین، ۱۳۹۷).

گام چهارم: استعدادیابی

این گام را می‌توان هسته مرکزی پروتکل بیان کرد، انسان با توانایی‌های ذاتی بالقوه‌ای به دنیا می‌آید که در زندگی درصدي از این توانایی‌ها بالفعل شده و توانایی‌های اکتسابی نیز به آن اضافه می‌شود (چراغی و سایرین، ۱۳۹۷).

جلسه هفتم: معرفی هوش‌های تخصصی، بازی درمانی و هوش جزیره‌ای

این جلسه اقتباسی از نظریه هوش‌های چندگانه است هاوارد گاردنر است و با تغییراتی در آن هوش‌های تخصصی تدوین گردید و در حال حاضر شامل دوازده هوش که شامل گفتاری-ارتباطی^{۴۰}، ریاضی-منطقی^{۴۱}، مالی-اقتصادی^{۴۲}، جنبشی-حرکتی^{۴۳}، فنی-عملی^{۴۴}، دیداری-فضایی^{۴۵}، هنری-تخیلی^{۴۶}، موسیقایی-آوایی^{۴۷}، طبیعت‌گرا-هستی‌گرا^{۴۸}، زیستی-تجربی^{۴۹}، هیجانی-عاطفی^{۵۰} است (صلاحی، ۱۴۰۴). بازی درمانی^{۵۱} امکان مشاهده استعداد در بستر طبیعی را فراهم می‌کند. برخلاف آزمون‌های رسمی، بازی رفتار واقعی کودک را آشکار می‌سازد (لاندتر^{۵۲}، ۲۰۱۲). بازی درمانی تعاملی بین کودک و بزرگسال است که از طریق ارتباط نمادین در بازی، در جستجوی راه‌هایی برای کاهش آشفتگی‌های هیجانی کودک است، از سوی دیگر می‌توان در سنجش هوش و آموزش مهارت‌ها در راستای هوش تخصصی نیز از آن بهره برد (چراغی و سایرین، ۱۳۹۷). مفهوم «هوش

³³ Adolescence

³⁴ Masten

³⁵ Urie Bronfenbrenner

³⁶ Tolman

³⁷ Cognitive Map

^{38,38} Wentzel

³⁹ Cyberspace pathology

⁴⁰ Speech-Communicative

⁴¹ Mathematical-logical

⁴² Financial-economic

⁴³ Kinetic-motoric

⁴⁴ Technical-practical

⁴⁵ Visual-spatial

⁴⁶ Artistic-imaginative

⁴⁷ Musical-phonetic

⁴⁸ Naturalist-existentialist

⁴⁹ Bio-experimental

⁵⁰ Emotional-emotional

⁵¹ Play therapy

⁵² Landreth

جزیره‌ای^{۵۳}» با نظریه ناهمزمانی رشد در کودکان با استعداد هم‌راستا است؛ کودک ممکن است در یک حوزه به‌طور چشمگیر پیشرفته و در حوزه‌ای دیگر متعارف باشد، گاهی پیش می‌آید شخصی به دلیل داشتن اختلالی در بیمارستان روانی بستری باشد و با وجود نقص موجود، در ابعاد دیگر دارای توانایی و استعداد خاص باشد و از سوی دیگر می‌توان نظریه کارل راجرز^{۵۴} که بر مفهوم خودشکوفایی^{۵۵} تأکید می‌کند روند استعدادیابی و پرورش آنرا تبیین کرد (صلاحی، ۱۳۹۸).

جلسه هشتم: بازی‌های تخصصی و معرفی مشاغل مرتبط

این جلسه از نظریه یادگیری تجربی دیوید کولب^{۵۶} بهره می‌گیرد. قرار گرفتن کودک در محیط واقعی تخصصی، نمونه‌ای از یادگیری موقعیتی است که به شکل‌گیری هویت حرفه‌ای اولیه کمک می‌کند. بازی‌ها و تمرین‌ها، همگی در راستای تشخیص هوش‌های تخصصی دوازده‌گانه تدوین شده است و در ادامه برای روشن‌تر شدن ذهن خانواده‌ها و اشخاص، مشاغل بر حسب هوش‌ها طبقه‌بندی شده‌اند (صلاحی، ۱۴۰۴).

گام پنجم: خلاقیت

این گام را بایستی به عنوان ابزار مهم در شکوفایی استعداد در نظر گرفت، چراکه تنها شناسایی استعداد مفید نخواهد بود، حال نیاز است با آموزش تکنیک و مهارت‌های خلاقانه^{۵۷} از فضای ذهنی کودک، جهت شکوفایی استعداد خود بهره برد (صلاحی و سایرین، ۱۳۹۷).

جلسه نهم: خاطره‌نویسی، حل مسئله و ماتریس SWOT

خاطره‌نویسی^{۵۸} موجب رشد فراشناخت و خودبازتابی می‌شود (فلاول^{۵۹}، ۱۹۷۹). خاطره‌نویسی یک تکنیک خوب برای ساماندهی کودکان است و در آن کودک با هدف و نتیجه‌گیری از موضوعات و موقعیت‌های مختلف آشنا خواهد شد (صلاحی و سایرین، ۱۳۹۷). حل مسئله^{۶۰} بر مبنای نظریه تفکر واگرا^{۶۱} گیلفورد^{۶۲} طراحی شده است. استفاده از ماتریس SWOT در کودکان، تمرینی برای خودارزیابی ساختاریافته است و مهارت تحلیل آینده‌نگر را تقویت می‌کند و علاوه بر پیدا کردن راهبردهای حل مسئله، به نکات تاریک و منفی مسایل هم ضمن نگاه و بررسی، برنامه پیشگیرانه را تنظیم خواهد کرد (صلاحی، ۱۴۰۴).

جلسه دهم: بازی‌های خلاقانه و کارآفرینی

این جلسه با نظریه جریان میهالی چیکسنت‌میهای^{۶۳} مرتبط است. ساخت کاردستی از مواد دورریختنی، بازآفرینی شناختی^{۶۴} و انعطاف ذهنی^{۶۵} را تقویت می‌کند. آشنایی با کارآفرینی^{۶۶}، تفکر فرصت‌محور و حل مسئله خلاق را توسعه می‌دهد، در حال حاضر آموزش‌ها حول محور مصرف‌گرایی است و آموزش و انجام فعالیت کارآفرینانه می‌تواند مسیری برای نیل به انسان مولد را در کودکان محقق نماید (صلاحی و سایرین، ۱۳۹۷).

گام ششم: ساماندهی

جلسه یازدهم: تشکیل شبکه همیاری

⁵³ Insular intelligence

⁵⁴ Carl Rogers

⁵⁵ Self-actualization

⁵⁶ David Kolb

⁵⁷ Creative techniques and skills

⁵⁸ Memoir writing

⁵⁹ Flavell

⁶⁰ Problem solving

⁶¹ Divergent thinking

⁶² Guilford

⁶³ Mihaly Csikszentmihalyi

⁶⁴ Cognitive re-creation

⁶⁵ Mental flexibility

⁶⁶ Entrepreneurship

این جلسه بر سرمایه اجتماعی^{۶۷} تأکید دارد (پوتمن^{۶۸}، ۲۰۰۰). شبکه همیاری موجب تثبیت یادگیری و ایجاد پشتیبانی اجتماعی پایدار می‌شود، و مسیری برای همفکری و هم‌توانی گروهی را در اختیار کودکان قرار خواهد داد (صلاحی و سایرین، ۱۴۰۲).

جلسه دوازدهم: اجرای کارگروهی تخصصی در اردو

یادگیری در محیط طبیعی و گروهی، انتقال آموخته‌ها را تسهیل می‌کند. این جلسه با اصول یادگیری مشارکتی جانسون و جانسون^{۶۹} هم‌خوان است.

گام هفتم: دستاوردها

جلسه سیزدهم: تدوین رزومه تخصصی و معرفی به جشنواره‌ها

این مرحله با نظریه هدف‌گذاری ادوین لاک^{۷۰} مرتبط است. رزومه تخصصی^{۷۱}، محصولات، کتاب‌ها و مقالات و معرفی جشنواره‌ها به کودک کمک می‌کند پیشرفت خود را عینی ببیند. این رزومه و منابع تخصصی بر حسب یادگیری مهارت‌ها و آموزش‌های است که کودکان در مسیر آموزش هفت گام نخبه‌پروری فرا آموخته‌اند. در ادامه می‌توان برای بالقوه شدن پتانسیل فردی کودکان آنها را به همایش‌ها و جشنواره‌ها معرفی کرد، و در نتیجه تجربه موفقیت اجتماعی را تقویت کرده و انگیزش درونی را تثبیت کرد (صلاحی و سایرین، ۱۴۰۲).

جدول ۲ - تحلیل تطبیقی با نظریه‌های علمی

نظریه	هم‌پوشانی با پروتکل
نظریه هوش‌های چندگانه گاردنر	شناسایی حوزه‌های تخصصی
نظریه اجتماعی-شناختی بندورا	خودکارآمدی و الگوبرداری
نظریه بوم‌شناختی برونفن‌برنر	مشارکت خانواده و محیط
نظریه سه حلقه‌ای رنزولی	خلاقیت، تعهد، توانایی
نظریه خودتعیین‌گری دسی و رایان	انگیزش درونی
نظریه جریان چیکسنت‌میهای	غوطه‌وری تخصصی
نظریه خودشکوفایی کارل راجرز	استعدادیابی و پرورش آن

در جدول شماره ۲ به صورت کلی در تحلیل تطبیقی مدل هفت گام نخبه‌پروری، نظریه‌های علمی موجود را یکجا درج کرده‌ایم. به طوری که بیانگر اثرات مدل هفت گام نخبه‌پروری در سایر نظریات موجود است.

نتیجه‌گیری

پروتکل هفت گام نخبه‌پروری، مدلی تلفیقی و چندسطحی است که با پوشش هم‌زمان ابعاد شناختی، رفتاری، اجتماعی و خلاقانه رشد کودک، می‌تواند به عنوان الگویی بومی برای استعدادیابی و پرورش استعداد در کودکان مطرح شود. نقطه قوت اصلی این مدل، حرکت مرحله‌ای از ارزیابی اولیه به سمت تحقق دستاوردهای واقعی و اجتماعی است؛ فرآیندی که در بسیاری از الگوهای سنتی استعدادیابی مغفول مانده است (صلاحی، ۱۴۰۴).

⁶⁷ Social capital

⁶⁸ Putnam

⁶⁹ Johnson & Johnson

⁷⁰ Edwin Locke

⁷¹ Specialized resume

تحلیل نظری و روایی پروتکل «هفت گام نخبه‌پروری» نشان می‌دهد که این مدل، در قیاس با الگوهای کلاسیک استعدادیابی، از یک مزیت ساختاری مهم برخوردار است و آن این است که عبور از رویکرد ایستای سنجش محور به سمت رویکردی فرایندی، تحول‌گرا و مداخله‌محور در شناسایی و پرورش استعداد پیش رفته است. بخش قابل‌توجهی از ادبیات کلاسیک حوزه استعدادیابی، به‌ویژه در سنت روان‌سنجی متأثر از آثار لویس ترمن^{۷۲}، استعداد را عمدتاً بر اساس شاخص‌های شناختی و بهره‌هوشی تبیین کرده‌اند. اگرچه این رویکرد در شناسایی توانایی‌های تحلیلی ارزشمند بوده است، اما پژوهش‌های متأخر نشان داده‌اند که اتکای صرف به شاخص‌های هوش عمومی، در شناسایی استعدادهای چندبعدی کودکان با محدودیت‌های جدی مواجه است (سابو تینک^{۷۳} و سایرین، ۲۰۱۱). در این زمینه، پروتکل هفت گام نخبه‌پروری با فاصله گرفتن از تقلیل‌گرایی شناختی، هم‌راستا با پارادایم‌های نوین، استعداد را پدیده‌ای چندلایه و وابسته به تعامل مستمر میان توانش‌های شناختی، تنظیم هیجانی، محیط اجتماعی، فرصت‌های تجربه و حمایت ساختاری در نظر می‌گیرد (صلاحی و سایرین، ۱۴۰۲).

از منظر تطبیقی، این یافته با نتایج پژوهش‌های مبتنی بر نظریه هوش‌های چندگانه هاوارد گاردنر همسو است. مطالعات تجربی نشان داده‌اند که برنامه‌های آموزشی مبتنی بر تنوع هوشی، در مقایسه با رویکردهای تک‌بعدی، اثربخشی بیشتری در شناسایی استعدادهای پنهان و ارتقای عملکرد تحصیلی دارند (کورنهر، فیروس و وینیم^{۷۴}، ۲۰۰۴).

در این چارچوب، گام چهارم پروتکل حاضر که بر «هوش‌های تخصصی»، «هوش جزیره‌ای» و تجربه عملی متکی است، از ظرفیت بالایی برای شناسایی استعدادهای نامتقارن و نامتعارف برخوردار است؛ موضوعی که در پژوهش‌های مربوط به کودکان با استعداد ناهمگن نیز مورد تأکید قرار گرفته است (سیلورمن^{۷۵}، ۲۰۱۳).

در مقایسه با مدل سه‌حلقه‌ای جوزپه روزنلی، پروتکل حاضر نه تنها بر توانایی شناختی برتر، خلاقیت و تعهد به تکلیف تأکید دارد، بلکه با افزودن مؤلفه‌های «مهندسی رفتار»، «جامعه‌پذیری» و «شبکه‌سازی حمایتی»، دامنه مداخله را به حوزه‌های تنظیم رفتاری و سرمایه اجتماعی گسترش داده است. این توسعه مفهومی با یافته‌های پژوهش‌های جدید درباره نقش بافت اجتماعی در شکوفایی استعداد سازگار است؛ پژوهش‌هایی که نشان می‌دهند استعداد در غیاب نظام حمایتی خانوادگی و اجتماعی، اغلب به فعلیت کامل نمی‌رسد (بلوم^{۷۶}، ۱۹۸۵؛ سابوتینک، ۲۰۱۱).

از منظر یادگیری اجتماعی، تأکید پروتکل بر اقتصاد ژتونی، قرارداد رفتاری و تقویت خودکارآمدی، با شواهد تجربی مبتنی بر نظریه آلبرت بندورا همخوان است. فراتحلیل‌های حوزه آموزش و مداخلات رفتاری نشان داده‌اند کودکانی که در برنامه‌های مبتنی بر تقویت خودکارآمدی و بازخورد ساختاریافته شرکت می‌کنند، در مقایسه با گروه‌های کنترل، پیشرفت معناداری در انگیزش درونی، خودتنظیمی و عملکرد تحصیلی نشان می‌دهند (اسچانک و دی‌بندیتو^{۷۷}، ۲۰۲۰). گام دوم این پروتکل از این حیث واجد بنیان تجربی محکمی است. همچنین، گنجاندن مؤلفه خلاقیت در قالب فعالیت‌هایی چون خاطره‌نویسی، تحلیل SWOT، کاردستی خلاقانه و کارآفرینی، با پژوهش‌های حوزه پرورش تفکر واگرا و آموزش خلاق هم‌راستا است. مطالعات نشان داده‌اند که برنامه‌های خلاقیت‌محور، به‌ویژه زمانی که با حل مسئله واقعی و تجربه عملی همراه باشند، در ارتقای انعطاف شناختی و تفکر اصیل کودکان مؤثرند (رانکو و اکر^{۷۸}، ۲۰۱۲).

در این میان، وجه تمایز پروتکل حاضر آن است که خلاقیت را نه به‌عنوان مؤلفه‌ای مستقل، بلکه به‌مثابه حلقه اتصال میان استعدادیابی و تحقق دستاورد عملی بازتعریف می‌کند.

یکی از نقاط تمایز اساسی این مدل نسبت به الگوهای رایج، توجه نظام‌مند به مرحله «دستاوردها» است. بسیاری از برنامه‌های استعدادیابی در سطح شناسایی یا آموزش مقدماتی متوقف می‌شوند؛ در حالی که پژوهش‌های حوزه توسعه استعداد نشان

⁷² Lewis Terman

⁷³ Subotnik

⁷⁴ Kornhaber, Fierros, & Veenema

⁷⁵ Silverman

⁷⁶ Bloom

⁷⁷ Schunk & DiBenedetto

⁷⁸ Runco & Acar

می‌دهند تبدیل توان بالقوه به عملکرد برجسته، نیازمند فرصت‌های واقعی برای عرضه اجتماعی توانمندی‌هاست (اریکسون^{۷۹}، ۲۰۰۶). گام هفتم این پروتکل، با تمرکز بر تدوین رزومه تخصصی و منابع در دسترس، معرفی به جشنواره‌ها و مستندسازی دستاوردها، این خلأ را پوشش می‌دهد و با مدل‌های «توسعه عملکرد» همخوانی دارد.

با این حال، در مقایسه با پژوهش‌های مداخله‌ای استاندارد، مهم‌ترین محدودیت فعلی پروتکل، فقدان شواهد تجربی مبتنی بر کارآزمایی‌های کنترل‌شده و مطالعات طولی است. هرچند تحلیل نظری حاضر نشان‌دهنده انسجام مفهومی و پشتوانه نظری مطلوب مدل است، اما اعتبار تجربی آن مستلزم طراحی پژوهش‌های نیمه‌آزمایشی و طولی برای بررسی اثربخشی در شاخص‌هایی نظیر خودکارآمدی، شکوفایی استعداد، سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی است، هرچند برای بخش‌های مختلف آن توسط انجمن خلاقیت و استعدادسنجی پژوهش‌هایی صورت گرفته شده است.

در مجموع، در قیاس با پیشینه پژوهشی موجود، پروتکل هفت گام نخبه‌پروری را می‌توان مدلی نوآورانه، تلفیقی و بومی‌شده دانست که تلاش می‌کند شکاف میان «سنجش استعداد» و «پرورش نظام‌مند استعداد» را پر کند. این مدل، در صورت اعتبارسنجی تجربی، ظرفیت آن را دارد که به عنوان چارچوبی مداخله‌ای در مراکز مشاوره و روان‌شناختی، مهدکودک، مدارس پرورش استعداد، نظام‌های تربیتی و برنامه‌های ملی استعدادیابی مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

در پایان از تمام کسانی که در تهیه و تدوین این مدل کمک کردند منجمله سامانا احمدی دبیر کانون سلامت، استعدادیابی و پرورش خلاقیت و مرحوم دکتر اکبر چراغی که از ارکان اصلی، طرحی و تهیه این مدل و تدوین کتاب‌های هفت گام نخبه‌پروری بنقش داشتند؛ تقدیر و قدردانی نمایم.

منابع

- [۱] چراغی، ا؛ صلاحی، ع، ا؛ کبیری، م، ه. (۱۳۹۷). خلاقیت و نخبه‌پروری، انتشارات دانشگاه هوایی شهید ستاری.
- [۲] کبیری، م، ه؛ صلاحی، ع، ا؛ چراغی، ا؛ صلاحی، م؛ حاصلی، م. (۱۳۹۷). جامعه‌پذیری (کودکان، نوجوانان و خانواده)، انتشارات دانشگاه هوایی شهید ستاری.
- [۳] صلاحی، ع، ا. (۱۳۹۸). مهندسی ذهن و رفتار، انتشارات آذرفر.
- [۴] صلاحی، ع، ا؛ چراغی، ا؛ کبیری، م، ه؛ صلاحی، ا؛ صادق‌خانی، م. (۱۳۹۷). مهندسی رفتار، انتشارات دانشگاه هوایی شهید ستاری.
- [۵] صلاحی، ع، ا؛ چراغی، ا؛ کبیری، م، ه؛ صلاحی، ا؛ احمدی، س. (۱۳۹۷). هفت گام نخبه‌پروری و آزمون‌های روانشناختی، انتشارات دانشگاه هوایی شهید ستاری.
- [۶] صلاحی، ع، ا؛ چراغی، ا؛ کبیری، م، ه؛ حسن‌پور، ف؛ یاسبلاخی شراهی، ش؛ احمدی، س. (۱۴۰۲). هفت گام نخبه‌پروری بزرگسالان با رویکرد مهارت‌های تحصیلی و شغلی، انتشارات دانشگاه هوایی شهید ستاری.
- [۷] صلاحی، ع، ا؛ آقا براری گاوزنی، م؛ چراغی، ا؛ کبیری، م، ه. (۱۳۹۹). بازی، هوش و استعداد، انتشارات دانشگاه هوایی شهید ستاری.
- [۸] صلاحی، ع، ا. (۱۴۰۴). استعدادیابی از طریق بازی و تمرین ویژه سه سال به بالا، انتشارات آذر فر.
- [۹] صلاحی، ع، ا؛ کبیری، م، ه؛ چراغی، ا؛ محمدی کلهری، سروش؛ تندکار، نسیم. (۱۳۹۷). نوجوانی و هویت، انتشارات دانشگاه هوایی شهید ستاری.
- [۱۰] صلاحی، ع، ا؛ چراغی، ا؛ کبیری، م، ه. (۱۳۹۷). هوش و استعداد، انتشارات دانشگاه هوایی شهید ستاری.
- [۱۱] صلاحی، ع، ا؛ چراغی، ا؛ کبیری، م، ه. یوسفی، س؛ ذوالفقاری، م؛ طریقت‌رام، ز؛ آذرافروزان، ش؛ میرزابیگی، م؛ مظفری، مهسا؛ آقاباراری گاوزنی، م؛ وکیلی، ن، حاج نوروژی، د؛ سربند، م. (۱۴۰۰). مهارت‌ها، انتشارات دانشگاه هوایی شهید ستاری.
- [۱۲] هرگنهن، ب، ر؛ اولسون، م، ا. (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه: سیف، ع، ا، نشر دوران، ویرایش هفتم.
- [13] Bandura, A. (1997). Self-efficacy: The exercise of control. Freeman.
- [14] Bronfenbrenner, U. (1979). The ecology of human development. Harvard University Press.
- [15] Bloom, B. S. (1985). Developing talent in young people. Ballantine Books.
- [16] Csikszentmihalyi, M. (1996). Creativity. HarperCollins.
- [17] Ericsson, K. A. (2006). The Cambridge handbook of expertise and expert performance. Cambridge University Press.
- [18] Erikson, E. H. (1963). Childhood and society. Norton.
- [19] Flavell, J. H. (1979). Metacognition and cognitive monitoring. American Psychologist, 34(10), 906–911.
- [20] Gardner, H. (1983). Frames of mind. Basic Books.
- [21] Harter, S. (2012). The construction of the self. Guilford.
- [22] Kolb, D. A. (1984). Experiential learning. Prentice Hall.
- [23] Kornhaber, M. L., Fierros, E. G., & Veenema, S. A. (2004). Multiple intelligences: Best ideas from research and practice. Allyn & Bacon.
- [24] Landreth, G. (2012). Play therapy. Routledge.
- [25] Masten, A. S. (2014). Ordinary magic. Guilford Press.
- [26] Mash, E. J., & Hunsley, J. (2005). Evidence-based assessment. Psychological Assessment, 17(3), 362–374.
- [27] Piaget, J. (1962). Play, dreams and imitation in childhood. Norton.
- [28] Putnam, R. D. (2000). Bowling alone. Simon & Schuster.

- [29] Renzulli, J. S. (1978). What makes giftedness? *Phi Delta Kappan*, 60(3), 180–184.
- [30] Runco, M. A., & Acar, S. (2012). Divergent thinking as an indicator of creative potential. *Creativity Research Journal*, 24(1), 66–75.
- [31] Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000). Self-determination theory. *American Psychologist*, 55(1), 68–78.
- [32] Sternberg, R. J. (2005). *WICS*. Cambridge University Press.
- [33] Subotnik, R. F., Olszewski-Kubilius, P., & Worrell, F. (2011). Rethinking giftedness. *Psychological Science in the Public Interest*, 12(1), 3–54.
- [34] Schunk, D. H., & DiBenedetto, M. K. (2020). Motivation and social cognitive theory. *Contemporary Educational Psychology*, 60, 101832.
- [35] Silverman, L. K. (2013). *Giftedness* 101. Springer.
- [36] Vygotsky, L. S. (1978). *Mind in society*. Harvard University Press.
- [37] Wentzel, K. R. (2015). Social competence and achievement. *Educational Psychologist*, 50(4), 265–278.